****

[ادامه بررسی حکم جواز تاخیر سعی تا روز بعد 1](#_Toc487710849)

[مبدأ غد از چه زمانی است؟ 1](#_Toc487710850)

[قول محقق خویی ره 1](#_Toc487710851)

[نقد کلام محقق خویی ره 1](#_Toc487710852)

[نظر مختار: اول نهار طلوع فجر است 2](#_Toc487710853)

[حکم شخصی که در اواخر شب و قبل از طلوع فجر طواف کند و سعی را به فردا بیندازد 2](#_Toc487710854)

[بررسی تکلیفی یا وضعی بودن عدم جواز تاخیر سعی به فردا 3](#_Toc487710855)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی حکم جواز تاخیر سعی تا روز بعد

### مبدأ غد از چه زمانی است؟

مشهور مبداء نهار را طلوع فجر می دانند

#### قول محقق خویی ره

ولی محقق خوئی مبدا نهار و یوم را از طلوع شمس می داند زیرا شارع حقیقت شرعیه ای در این زمینه ندارد و باید به عرف رجوع شود و شاهدش این که ظهر منتصف النهار است و منتصف بین طلوع فجر و غروب نیست، بلکه منتصف بین طلوع شمس و غروب است.

##### نقد کلام محقق خویی ره

فرمایش ایشان در عرف غیر متشرعی صحیح است، و لذا وقتی طلوع فجر شده، اما هوا هنوز تاریک است، عرف غیر متشرعی نهار را صادق نمی داند، اما در عرف متشرعی نهار از طلوع فجر شروع می شود

 در کتاب العین می گوید النهار من طلوع الفجر و در روزه هم گفته می شود روز را روزه بگیرد که قطعا شروع امساک از طلوع فجر باید باشد و معلوم می شود که ابتداء روز، از طلوع فجر است و صحیحه زرارة نیز کاشف از همین مطلب است: … قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي ذَلِكَ‏ أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ النَّهارِ- وَ طَرَفَاهُ‏ الْمَغْرِبُ‏ وَ الْغَدَاةُ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ‏ وَ هِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ قَالَ تَعَالَى‏ حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطى‏- وَ هِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ هِيَ وَسَطُ النَّهَارِ وَ وَسَطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ صَلَاةِ الْعَصْر...[[1]](#footnote-1)

در این صحیحه فرموده نماز ظهر، وسط صلاتین بالنهار است، معلوم است که قبل از طلوع آفتاب نیز که زمان نماز صبح است، بر آن اطلاق نهار شده است.

#### نظر مختار: اول نهار طلوع فجر است

به نظر ما این ها نمایانگر عرف متشرعی است و لااقل مقصود شارع را مشخص می کند که مبدا نهار و غد، طلوع فجر است.

اما این که محقق خوئی فرمود منتصف النهار ما بین طلوع آفتاب و غروب است، ناصواب است، زیرا تعبیر منتصف النهار نداریم، بلکه تعبیر به وسط النهار یا زوال الشمس داریم و آن هم امر عرفی است و دقیق که حساب نمی کنند، و معنای زوال هم نصف النهار نیست، بلکه افتادن خورشید و سقوط آن به حال غروب است.

**بحث دیگر:**

### حکم شخصی که در اواخر شب و قبل از طلوع فجر طواف کند و سعی را به فردا بیندازد

اگر شخصی در اواخر شب و قبل از طلوع فجر طواف کند و سعی را به فردا بیندازد، آیا اطلاق روایات مانعه از تاخیر سعی به غد، شامل آن می شود؟

به نظر می رسد این روایات چنین اطلاقی ندارد که تعبدا بگوید طلوع فجر نباید حائل بین سعی و طواف شود، زیرا روایت می گوید شخص بعد از طواف خسته شده، آیا می تواند سعی را تا فردا تاخیر بیندازد، و حضرت در جواب فرمود خیر، لذا معلوم می شود فرض سوال، جایی است که فاصله معتد به بین طواف و سعی وجود دارد.

لذا این که ظاهر کلمات محقق خوئی و مرحوم تبریزی و آیت الله سیستانی این است که طواف در آخر شب و سعی در اول نهار اشکال ندارد، صحیح نیست، زیرا لزومی به تقیید انجام سعی به اول نهار وجود ندارد، بلکه مهم این است که انجام سعی بعد از طلوع فجر باشد، فاصله زیاد که دلیل بر منع ندارد، بلکه ممنوع این است که فاصله عرفی سبب تاخیر به فردا شود و در این فرض هم که دلیل منع شاملش نمی شود، چون فاصله عرفی نیفتاده است و لذا وجهی ندارد که گفته شود باید اول روز حتما سعی را انجام دهد.

### بررسی تکلیفی یا وضعی بودن عدم جواز تاخیر سعی به فردا

عدم جواز تاخیر به غد، آیا حکم تکلیفی است یا وضعی؟

ظاهر مشهور این است که حرمت مذکور، تکلیفی است و شهید اول نیز فرمود کسی که سعی را به فردا تاخیر بیندازد، اثم و اجزا، ولی محقق خوئی فرموده نهی از چیزی در مرکب، ظهور در ارشاد به مانعیت دارد، یعنی تاخیر سعی به فردا، سبب می شود که عمل مجزی نباشد، و طبعا طواف هم باید اعاده شود و بعد از آن سعی انجام گیرد.

ولی کلام محقق خوئی قابل مناقشه است، زیرا این که ظهور نهی از یک چیز در ضمن مرکب، در ارشاد به مانعیت باشد، ظهوری است به مناسبت حکم و موضوع، مثلا روایت می گوید متمتع از مکه نباید خارج شود، این جا مشهور گفته اند حکم تکلیفی است و نه ارشاد به مانعیت، چون مناسبت حکم و موضوعی نیست که از آن نهی ارشادی استفاده شود، یا گفته شده اگر تکلم کردی، سجده سهو کن، مشهور آن را وجوب تکلیفی می­دانند و ترک عمدی سجده سهو را نیز موجب بطلان نماز نمی دانند و آن را ارشاد به مانعیت نگرفته اند، زیرا مناسبت حکم و موضوع این را اقتضاء نمی کند.

در ما نحن فیه نیز ظهوری در ارشادیت نداریم که تاخیر به غد سبب بطلان سعی شود، بلکه می تواند نهی تکلیفی باشد، لذا دلیل بر بطلان طواف و لزوم اعاده آن و سپس سعی نداریم، لذا ما استظهار محقق خوئی مبنی بر حرمت وضعیه را قبول نداریم، اما در عین حال نظر مشهور هم که گفته اند حرمت آن، تکلیفی است، برای ما ثابت نیست، بلکه علم اجمالی داریم که یا حرمت تکلیفی است و یا حرمت وضعی و این علم اجمالی منجز است، یعنی بعد از انجام طواف یا واجب تکلیفی است که سعی را هم همین امروز انجام دهیم، حتی اگر بخواهیم طواف را نیز فردا اعاده کنیم، اما شارع می گوید چنین حقی وجود ندارد و باید حتما سعی را بعد از طواف همین امروز انجام دهیم و یا حرمت وضعی دارد و اگر تاخیر انداختیم، باید اعاده طواف نیز بکنیم.

برای رفع منجزیت این علم اجمالی یک راه وجود دارد به این که بگوییم دلیل طواف و سعی به لحاظ حکم وضعی اطلاق دارد، و نفی می کند شرطیت موالات بین طواف و سعی را و لذا اماره داریم بر نفی حرمت وضعیه، و مثبت و لازمه این اماره نیز تکلیفی بودن نهی از تاخیر سعی به غد است.

و لکن این مطلب مبتنی بر دو مقدمه است، مقدمه اول این است که اطلاقی در ادله طواف و سعی قائل باشیم، در حالی که اثبات چنین اطلاقی مشکل است و معلوم نیست این ادله از این جهت هم در مقام بیان باشند و مقدمه دوم این است که مثبتات اطلاق نیز حجت باشد، در حالی که شبهه این است که حجیت اطلاق از باب کاشفیت ظهور است یا از باب میثاق عقلائی برای حفظ نظام مولویت یا مجتمع،

و این که عرف می گوید ما به کلام مطلق احتجاج می کنیم؟ بنا بر صورت اخیر، کما عن السید الزنجانی، کاشفیتی در لوازم غیر عرفی، یعنی لوازم عقلی وجود ندارد، مثلا گفته شود طلاب مدرسه فیضیه عادل هستند، اطلاقش می گوید زید هم که در این مدرسه طلبه است، عادل می باشد و لازمه اش این است که برادرش فاسق باشد، چون علم اجمالی به فسق زید یا برادرش داریم، در حالی که معلوم نیست که چنین لوازمی نیز حجت باشد.

لذا در این موارد باید مستقیما به سیره عقلائیه رجوع شود و آن هم که دلیل لبی است و نمی توان از آن در ما نحن فیه استفاده ای نمود.

لذا راهی برای فرار از احتیاط و عدم تنجز علم اجمالی وجود ندارد، لذا اعاده طواف در فردا کافی نیست به اعتبار حکم تکلیفی و بر فرض که سعی را به تاخیر بیندازد، احتیاطا باید طواف را نیز به اعتبار حکم وضعی اعاده کند.

البته موالات به نظر محقق خوئی سنت است، زیرا در قرآن ذکر نشده است و به ذیل حدیث لاتعاد استدلال می کند و اخلال به آن را سبب اخلال به طواف نمی داند، اما ما قبلا در این معنا برای سنت و فریضه تشکیک کرده ایم.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص11، أبواب وجوب الصلوات الخمس...، باب2، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/11/%D8%A7%D9%84%D8%AE%D9%85%D8%B3) [↑](#footnote-ref-1)